

فرایندهای مکتبی سازمان عقیدتی سیاسی ناجا در چارچوب دولت‌سازی اسلامی با

تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری علیه‌السلام

علی مظفری^۱

چکیده

زمینه و هدف: این نوشتار، جستاری است عموماً در موضوع دولت‌سازی اسلامی و خصوصاً پیرامون فرایندهای مکتبی سازمان عقیدتی سیاسی ناجا در چارچوب دولت اسلامی. در این مقاله از آیات و روایات و دیدگاه برخی صاحب‌نظران استفاده شده، اما با توجه به‌عنوان آن، منبع اصلی، دیدگاه‌ها و رهنمودهای مقام معظم رهبری علیه‌السلام است. هدف، جمع‌بندی مطالب حول فرایندهای مکتبی است که سازمان عقیدتی سیاسی ناجا باید در جهت دولت‌سازی اسلامی از آن‌ها بهره‌مند گردد؛ و منظور، اجرای سیاست‌ها و برنامه‌هایی است که بتواند منویات رهبری انقلاب علیه‌السلام در مورد تحقق دولت اسلامی را در سازمان عقیدتی سیاسی نهادینه نماید. ابتدا مراحل پنجگانه انقلاب اسلامی توصیف، مبانی و اهداف دولت‌سازی تبیین و شاخص‌های دولت اسلامی از نگاه رهبری بررسی شده است؛ سپس لزوم هماهنگی سازمان و بایدها و نبایدهای آن به‌عنوان یکی از نهادهای حکومت اسلامی مورد مذاقه قرار گرفته و درنهایت به چالش‌های احتمالی پیش‌رو پرداخته شده است.

روش: نوع پژوهش با روش توصیفی تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: اینک در مرحله دولت‌سازی اسلامی هستیم و تمام نهادهای دولتی (به‌معنای عام) بایستی اقداماتی همگرا در این جهت معمول دارند. سازمان عقیدتی سیاسی ناجا نیز می‌تواند و ضرورت دارد که با ملاحظات مدیریتی، علمی و اخلاقی این وظیفه و مأموریت خطیر را به انجام برساند.

واژه‌های کلیدی: دولت اسلامی، مقام معظم رهبری، سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، فقه سیاسی، انقلاب اسلامی

۱. عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم انتظامی امین ali.mozaffari1955@yahoo.com

مقدمه

مکتب متعالی اسلام، جامع و کامل است و در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی اعم از فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، راهنمایی جزئی و کلی نموده و ظرفیت و قابلیت پیاده‌سازی در هر زمان را دارد؛ اما تحقق اهداف و آرمان‌های مترقی و پیشرو آن، از سوی مستلزم تفقه و استنباط روشمند، اصولی و به‌روز فقهای عظام و از سوی دیگر نیازمند همت رهبران مصلح، عالم و متقی است. مقام معظم رهبری علیه‌السلام مراحل را برای تحقق اهداف و آرمان‌های اسلام قائل شدند و بعدها این مراحل را «فرایند تحقق هدف‌های اسلامی» نام نهادند که به ترتیب عبارت‌اند از: حرکت انقلابی، استقرار نظام اسلامی، تشکیل دولت اسلامی، ایجاد کشور اسلامی و نهایتاً گسترش تمدن اسلامی به سمت جهانی شدن؛ و نیز تصریح فرمودند که اینک ما در مرحله سوم یعنی «تشکیل دولت اسلامی» هستیم.

معظم له همچنین هر یک از مراحل را به‌طور مبسوط تبیین و توصیف نموده و جهت تحقق آن‌ها راهنمایی‌های لازم را ارائه فرموده‌اند. از سوی دیگر در مناسبت‌های مختلف، خطاب به روحانیون و کارکنان سازمان عقیدتی سیاسی رهنمودهایی جهت انجام هر چه بهتر وظایف و مأموریت سازمانی آنان صادر نموده‌اند که می‌تواند خط و مشی این سازمان در راستای هماهنگی و همسویی با مجموعه حاکمیت به‌منظور تحقق دولت اسلامی مورد نظر ایشان باشد. حال مسئله این است که ۱- منظور، اهداف، شاخص‌ها، چالش‌ها، رهیافت‌ها و سازوکارهای تشکیل دولت اسلامی از نظر رهبر فرزانه انقلاب چگونه است؟ و ۲- سازمان عقیدتی سیاسی ناجا به‌عنوان یک نهاد دولتی (به‌معنای عام)، در جهت دولت‌سازی اسلامی - افزون بر نقشی که در ناجا بر عهده دارد - خود نیز به‌عنوان یک سازمان حاکمیتی، چه فرایندهای مکتبی را باید طی کند؟

دولت‌سازی اسلامی

فرایند تحقق انقلاب اسلامی

انقلاب، فقط جابجایی قدرت نیست، ایجاد تحول بنیادی است؛ اما آغازش با کنار زدن حاکمان از مسند قدرت است. انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران نیز برای تغییرات بنیادی در ساختار

حکومت و برخورداری جامعه از مواهب اسلامی بوده است. رهبر معظم انقلاب، فرایند این تغییرات را این گونه برشمرد: ما یک انقلاب اسلامی داشتیم؛ بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم؛ مرحله بعد، تشکیل دولت اسلامی است؛ مرحله بعد تشکیل کشور اسلامی است؛ مرحله بعد تشکیل تمدن بین الملل اسلامی است (بیانات، ۸۳/۶/۷۸). معظم له، این پنج مرحله را یک زنجیره منطقی دانسته و مراحل چهارم و پنجم را با واژه‌های جامعه‌ی اسلامی و امت اسلامی نیز عنوان کرده‌اند (بیانات، ۹۰/۷/۲۴). اینک گزیده‌ای از بیانات ایشان در مورد هر مرحله ارائه می‌گردد:

اول- انقلاب اسلامی: این یک فرایند طولانی و دشواری دارد و شروعش از انقلاب اسلامی است... انقلاب، یعنی دگرگونی بنیادی ... هر تحولی هم معنایش انقلاب نیست؛ انقلاب آنجایی است که پایه‌های غلطی برچیده می‌شود و پایه‌های درستی به جای آن گذاشته می‌شود. این قدم اول است (بیانات، ۷۹/۹/۱۲).

دوم- نظام اسلامی: منظور من در اینجا از نظام اسلامی، یعنی آن هویت کلی که تعریف مشخصی دارد، که کشور، ملت و صاحبان انقلاب- که مردم هستند- آن را انتخاب می‌کنند. در مورد ما، مردم ما انتخاب کردند: جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی یعنی نظامی که در آن، مردم‌سالاری از اسلام گرفته شده است و با ارزش‌های اسلامی همراه است (بیانات، ۹۰/۷/۲۴). نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن (بیانات، ۷۹/۹/۱۲) یعنی ترتیب اداره کشور، همان طوری که اسلام گفته است ... این کار را هم ملت ما با موفقیت انجام داد. قانون اساسی تنظیم شد؛ آرایش و چینش سیاسی به وجود آمد؛ مردم‌سالاری دینی بر این مملکت حاکم شد و مردم، مسئولان کشور را- از رهبری گرفته تا ریاست جمهوری تا دیگر مسئولان- مستقیم یا غیرمستقیم انتخاب می‌کنند ... دین، مایه و پایه و محور قانون و اجرا در این کشور است (بیانات، ۸۴/۵/۲۸) یعنی منبع تقنین و معیار و ملاک اجرا و ارکان تصمیم‌گیری در کشور معلوم شد چیست (بیانات، ۸۴/۶/۷۸).

سوم- دولت اسلامی: مرحله بعد از نظام اسلامی، دولت اسلامی است. در این راه هم حرکت کردیم. مسئولان مؤمنی، وزرای خوبی، نمایندگان خوبی، رؤسای جمهور باایمانی، یکی پس از

دیگری امور کشور را بر عهده گرفتند (بیانات، ۸۴/۵/۲۸).

چهارم - کشور یا جامعه اسلامی: بعد از این مرحله، مرحله تالو و تشعشع نظام اسلامی است؛ یعنی مرحله ایجاد کشور اسلامی. اگر این مرحله به وجود آمد، آن وقت برای مسلمان‌های عالم، الگو و اسوه می‌شویم: «لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (بقره، ۱۴۳) (بیانات، ۸۰/۹/۲۱) جامعه‌ای که در آن، آرمان‌های اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند. جامعه عادل، برخوردار از عدالت، جامعه آزاد، جامعه‌ای که مردم در آن، در اداره کشور، در آینده خود، در پیشرفت خود دارای نقش‌اند، دارای تأثیرند، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنا ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و مبرای از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفت‌های همه‌جانبه - پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی - و بالاخره جامعه‌ای بدون سکون، بدون رکود، بدون توقف و در حال پیشروی دائم؛ این آن جامعه‌ای است که ما دنبالش هستیم (۹۰/۷/۲۴).

پنجم - امت یا تمدن اسلامی: وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد؛ آن وقت فرهنگ اسلامی، فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت (۸۴/۵/۲۸).

منظور از دولت اسلامی و تسری به سازمان عقیدتی سیاسی ناجا

چون منظور از دولت، تمام نهادهای حکومتی است، پس سازمان عقیدتی سیاسی ناجا را نیز شامل می‌شود و رهنمودهای عمومی رهبری در مورد دولت اسلامی، به این سازمان و مدیران و کارکنان آن نیز تسری پیدا می‌کند، مگر این که نهادهای خاصی را نام برده و جهت دولت‌سازی اسلامی، وظایف یا توصیه‌هایی را خطاب به آنها فرموده باشند؛ یا اهداف و شاخص‌هایی را تعیین کرده باشند. مقام معظم رهبری علیه السلام دولت اسلامی را با این عبارات توصیف فرموده‌اند: بعد از آن که نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولت‌مردان - یعنی ماها - به گونه اسلامی؛ چون این در وهله اول فراهم نیست؛ به تدریج و با تلاش باید به وجود آید... دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت وزرا؛ یعنی قوای سه‌گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه (بیانات، ۷۹/۹/۱۲).

سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، از نظر جایگاه و مأموریتی که دارد، سازمانی در نظام اسلامی است که در اصل به امام زمان علیه السلام تعلق دارد و تحت رهبری ولی فقیه و بر اساس ضوابط اسلامی کار می‌کند. دستگاهی سالم، اخلاقی، حافظ امنیت و ارزش‌های اسلامی که کار او عبادت است. این سازمان، به‌عنوان یکی از نهادهای فرهنگی در دولت اسلامی، سازمانی است دین‌مدار که اهداف، ارزش‌ها، ساختار، سیاست‌ها، رویه‌ها و سازوکارهای آن، دینی، مدیریت و کارکنانش، در نظر و عمل ملتزم به آموزه‌ها و احکام دین و مصلحت نظام اسلامی باشند.

دولت آرمانی

سازمان عقیدتی سیاسی ناجا از زمان تأسیس تاکنون، همواره در حد امکان و با نسبیت مخصوص خود، واجد شرایط و شاخص‌های دولت اسلامی بوده است، اما باید به سمت دولت آرمانی جهت‌گیری کند. نگاه رهبر فرزانه انقلاب به دولت آرمانی، در برخی بیانات ذکر شده و قابل توجه است: آرمان‌ها که شاکله کلی نظام از آن‌ها الهام گرفته، قابل تغییر نیست (بیانات، ۹۰/۷/۲۴) البته دولت اسلامی کامل به معنای واقعی کلمه، در زمان انسان کامل تشکیل خواهد شد؛ ان‌شاءالله. خوشا به حال کسانی که آن روز را درک می‌کنند. همه ما انسان‌های ناقصی هستیم. ما به قدر توان و تلاش خود می‌خواهیم مجموعه کارگزاران حکومت را - که خودمان هم جزو آن‌ها هستیم - به نقطه‌ای برسانیم که با نصاب جمهوری اسلامی تطبیق کند. ما می‌خواهیم خود را به حد نصاب نزدیک کنیم (بیانات، ۸۴/۶/۸). معظم له، رهبری معصوم را کمال مطلوب و لازمه دولت آرمانی دانسته است و ولی فقیه را مسئول هدایت و کنترل دولت به سمت آرمان‌ها معرفی می‌نماید: دستگاه‌های گوناگون - قوه قضائیه، قوه مجریه، قوه مقننه - مثل همه دنیا، کارهای موظف قانونی خودشان را دارند انجام می‌دهند، با اختیارات کاملی که در قانون اساسی معین شده؛ اما حرکت کلان و کلی نظام اسلامی به سمت آن آرمان‌ها باید منحرف نشود؛ اگر منحرف شد، باید گریبان رهبری را گرفت، او را بایستی مسئول دانست؛ او مسئول است که نگذارد (بیانات، ۹۰/۷/۲۴) و البته اگر در رأس کار، یک امام معصوم مثل امیرالمؤمنین علیه السلام باشد که قولش، فعلش و منشش الگوست، کار برای کارگزاران نظام آسان‌تر است؛ چون نسخه کامل را در اختیار دارند و در

همه چیزش هدایت هست (بیانات، ۷۹/۹/۱۲). ایشان، دولت آرمانی را واجد ویژگی‌هایی می‌دانند که در فرهنگ اسلامی معنا می‌شود: دولت آرمانی در پی تأمین عدالت، آزادی، معنویت، امنیت، پیشرفت، تکریم مردم و سلامت جامعه است، اما بر مبنای آموزه‌ها و احکام اسلامی؛ ... منظور ما مفاهیمی است برگرفته از منطق اسلام و قرآن و آنچه در معارف اسلامی است (۹۰/۷/۲۴). با دولت آرمانی، کشور آرمانی به وجود می‌آورد: اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آنگاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر به - تدریج ریشه کن می‌شود؛ عزت حقیقی برای مردم به وجود می‌آید؛ جایگاهش در روابط بین‌الملل ارتقا پیدا می‌کند (۷۹/۹/۱۲). اگر اسلام به طور کامل در ارکان حکومت ساری و جاری شد، می‌توان گفت دولت اسلامی ایجاد شده است؛ وظیفه‌ای که رهبری آن را متوجه دولت‌های جمهوری اسلامی می‌دانند و می‌فرمایند: ما باید این اصل را از یاد نبریم که وظیفه ما تحقق بخشیدن به اسلام به صورت کامل است؛ باید دنبال اسلام کامل باشیم. این جور نباشد که از آرمان اسلام بکاهیم به خاطر اینکه مثلاً در فلان قضیه موفق بشویم؛ نه، موفقیت ما، پیشرفت ما وابسته به این است که ان شاء الله بتوانیم، اسلام کامل را محقق کنیم (بیانات، ۹۳/۱۲/۲۱).

فرماندهی معزز کل قوا، بزرگراه آرمانی را منتهی به زمان ظهور ترسیم کردند آنجا که فرمودند: از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است؛ این بُربرگرد هم ندارد... همه انبیا و اولیا آمده‌اند تا انسان را به آن بزرگراه اصلی سوق دهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ‌گونه مانعی تمام استعدادهایش می‌تواند بروز کند... آن در زمان ولی عصر ع تحقق خواهد یافت (بیانات، ۷۹/۹/۱۲).

مبانی و اهداف

مبانی فکری

جهان‌بینی، اندیشه و اعتقادات اسلامی و در یک کلمه، مکتب اسلام، مبنای اصلی دولت اسلامی، در جهت‌گیری‌ها، انجام وظایف و عملکرد آن است. سازمان عقیدتی سیاسی ناجا به عنوان نهادی که در سلسله مراتب مقام عظمای ولایت قرار دارد، مبانی و وظیفه‌ای خود را از رهنمودهای ایشان

دریافت می‌کند. مقام رهبری در این باره تصریح کرده‌اند: این وظایف، یک مبنای فکری دارد. خصوصیت تفکر اسلامی و مکتب اسلامی و دینی این است... همه آنچه در زمینه برنامه‌ریزی‌ها، خطوط اصلی برنامه‌ها را تشکیل می‌دهد، یک سر این برنامه‌های اصلی وصل است به آبخشور اندیشه اسلامی، جهان‌بینی اسلامی، تلقی و برداشت اسلامی؛ که این ایمان ماست، اعتقاد ماست، دین ماست (۷۹/۹/۱۲). دین، مایه و پایه و محور قانون و اجرا در این کشور است. حرکت مردم به سمت اهداف و آرمان‌های دینی است؛ این معنای نظام اسلامی است (۸۴/۵/۲۸).

اهداف دولت اسلامی

اهداف دولت اسلامی، در دو حوزه داخلی و خارج قابل طرح است. در داخل، کمک به تدوین یا اصلاح نظامات، قوانین و مقررات، ساختارها و ... مورد نیاز جامعه اسلامی؛ و در بیرون از کشور، طراحی و ارائه الگوی کارآمد عینی و عملی حکومت اسلامی برای کشورهای مسلمان. اولی، مرحله چهارم و دومی، مرحله پنجم از فرایند تحقق انقلاب اسلامی است که در واقع اهداف داخلی و خارجی دولت اسلامی (مرحله سوم) به‌شمار می‌آیند.

رهبر معظم انقلاب به وضوح و صراحت، هدف دولت اسلامی را که همان هدف انقلاب و نظام اسلامی است، ایجاد کشور یا جامعه اسلامی اعلام نموده و به توصیف ویژگی‌های مطلوب دولت و مردم در آن شرایط پرداخته است: هدف این نظام چیست؟ هدف این ملت چه بود؟ هدف این بود که این کشور با این نظام بتواند از همه خوبی‌ها و پیشرفت‌ها و خیرات و برکاتی که خدای متعال به ملت‌های مؤمن وعده داده است، برخوردار شود؛ یعنی یک کشور اسلامی بشود. کشور اسلامی یعنی کشوری که اسلام حیات‌بخش، اسلام نشاط‌آور، اسلام تحرک‌آفرین، اسلام بدون کج‌اندیشی و تحجر و انحراف، اسلام بدون التقاط، اسلام شجاعت‌بخش به انسان‌ها و اسلام هدایت‌کننده انسان‌ها به سوی علم و دانش بر آن حاکم است؛ اسلامی که با همان شکلی که در قرن اول اسلامی به آن عمل شد، توانست یک مجموعه پراکنده را به اوج تمدن تاریخی و جهانی برساند و تمدن و دانش او بر دنیا سیطره پیدا کند. سیطره و تسلط علمی به دنبال خود عزت سیاسی هم می‌آورد؛ رفاه اقتصادی هم می‌آورد؛ فضایل اخلاقی هم می‌آورد؛ اگر کشور

به معنای واقعی کلمه اسلامی شود. ما می‌خواهیم آن نظامی، آن تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدف‌ها را در آن محقق کرد، به وجود آوریم (۸۴/۵/۲۸). به این دلیل که تا هدف نهایی - یعنی امت یا تمدن اسلامی - یک مرحله دیگر باقی مانده است. معظم له رسیدن به جامعه یا کشور اسلامی را هدف میانی تلقی و هدف نهایی را حلول روح اسلام در جامعه و زمینه‌سازی رشد و کمال معنوی - که همانا عبادت با معرفت است - بیان می‌نمایند: البته این جامعه تحقق پیدا نکرده، ولی ما دنبال این هستیم که این جامعه تحقق پیدا کند. پس این شد هدف اصلی و مهم میانه ما. چرا می‌گوییم میانه؟ به خاطر اینکه این جامعه وقتی تشکیل شد، مهم‌ترین مسئولیتش این است که انسان‌ها بتوانند در سایه‌سار چنین اجتماعی، چنین حکومتی، چنین فضائی، به کمال معنوی و کمال الهی برسند؛ که انسان‌ها به عبودیت برسند «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، ۵۶).

تعالی فرد و جامعه، هدف دولت اسلامی است که تمام ابعاد وجود فرد و بخش‌های مختلف جامعه را در بر می‌گیرد: گسترش و پیشرفت علم برای همه؛ حاکمیت اندیشه سالم و فکر درست؛ تعالی روحی و معنوی و اخلاقی، خلق کریم و مکارم اخلاق؛ پیشرفت اجتماعی بشری - نه فقط جنبه‌های معنوی و علمی و اخلاقی یک فرد، بلکه جامعه هم مورد نظر است - و پیشرفت امور اقتصادی و رفاهی انسان‌ها، و بایستی مردم را به سمت رفاه و تمتع هر چه بیشتر از امکانات زندگی پیش ببرند. این یکی از وظایف همه است (بیانات، ۷۹/۹/۱۲).

معظم له، سند چشم‌انداز را حاوی تفصیل اهداف دولت اسلامی دانسته و می‌فرماید: آن کار واحد بزرگ، عبارت است از پیشرفت و ارتقای کشور به سمت و سوی اهدافی که برای خودمان ترسیم کرده‌ایم، که همان اهداف انقلاب اسلامی است؛ و ریزتر شده، آنچه در سند چشم‌انداز بیست‌ساله تبیین شده است (بیانات، ۸۴/۶/۸).

آیا آنچه برای جامعه اسلامی در کشور اسلامی لازم است و هدف دولت اسلامی محسوب می‌شود، متغیر است؛ یعنی در هر زمان، با سلیقه‌ها و نظرات جدید، متفاوت می‌شود؟ اگر چنین باشد، در واقع هدف دولت اسلامی هر از چندی نو می‌شود؛ شاخص‌ها عوض می‌شود؛ مطلوبیت معلوم و معینی وجود نخواهد داشت. نظر رهبری این نیست و پاسخ ایشان به این سؤال را در

این عبارات می‌یابیم: پس تشکیل جامعه اسلامی شد هدف؛ با همین خصوصیات، با همین شاخص‌هایی که گفته شد. این هدف هرگز کهنه‌شونده نیست (۹۰/۷/۲۴).

اهداف سازمان عقیدتی سیاسی ناجا جهت تحقق دولت اسلامی

«نقش‌ها و مأموریت‌ها» معمولاً ماهیتی کلی و دائمی دارند، اما «اهداف» کاملاً مشخص هستند و نقطه پایان معینی دارند؛ نقش‌ها و مأموریت‌ها به ما می‌گویند که چه نوع کارهایی باید انجام گیرد؛ هدف‌ها، محتوا، جهت و قابلیت اندازه‌گیری آن‌ها را معین می‌نمایند. مأموریت تصریحی سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، هدایت و نظارت بر خط و مشی‌های مکتبی در ناجا و بالتبع مأموریت تلویحی آن، ایجاد، حفظ و ارتقای تدین در سازمان خود است. امام خمینی رحمه الله فرمودند: ما که نهضت کردیم، برای اسلام نهضت کردیم (موسوی خمینی، ۱۳۶۱: ۱۱۵/۱۰) و رهبری رحمه الله قدرت حاکمیت را فرصتی مغتنم و طلایی برای این مهم برشمرده و فرموده است: مسئولان این نظام با این امید هم وارد این میدان شده‌اند که بتوانند از اهداف الهی که مورد اعتقاد آن‌هاست، چیزی را تحقق بخشند و در زندگی پیاده کنند (بیانات، ۷۹/۹/۱۲). هدف از قبول مناصب دولتی در نظام جمهوری اسلامی و نظام اسلامی چه باید باشد؟ هدف باید اجرای عدالت، تأمین آسایش مردم، فراهم کردن زمینه جامعه انسانی برای شکفتن استعدادها، برای تعالی انسان‌ها و برای هدایت و صلاح بنی آدم باشد (بیانات، ۷۹/۹/۲۵). ایشان معتقدند: عقیدتی سیاسی نیروهای مسلح... یکی از حیاتی‌ترین دستگاه‌هایی است که می‌تواند به این نیرو کمک کند تا خودشان را تکمیل کنند و ادامه حیات شایسته دهند (سازمان عقیدتی سیاسی ناجا: ۱۳۸۲). حال پرواضح است که نه فقط فاقد شیء معطی شیء نیست، بلکه نیروی انسانی سازمان عقیدتی سیاسی ناجا باید خود به مراتب از عمق و استحکام بالاتری در بینش و گرایش و تقید به احکام و دستورهای اسلامی برخوردار باشد تا بتواند خواسته‌های ولی فقیه را به‌خوبی پاسخ دهد.

شاخص‌های دولت اسلامی در سازمان عقیدتی سیاسی ناجا

مقام معظم رهبری رحمه الله هفت شاخص را برای دولت اسلامی تبیین فرموده‌اند که با توجه به معنای اعم دولت، عیناً شامل حال سازمان عقیدتی سیاسی ناجا نیز می‌شود. آن شاخص‌ها عبارت‌اند از:

اول) سلامت اعتقادی، اخلاقی و عملکردی؛ دوم) خدمت به خلق و روحیه خدمت؛ سوم) عدالت‌طلبی؛ چهارم) سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد؛ پنجم) قانون‌گرایی؛ ششم) حکمت و خردگرایی در امور؛ هفتم) تکیه بر ظرفیت درون‌زای کشور.

اول: شاخص اعتقادی و اخلاقی

اعتقاد و اخلاق در مجموعه دولت، زمینه فکری و گرایشی رشد و توسعه است. چون برداشت‌های متفاوت و گاه غلطی از معارف دینی و انسان‌شناسی و اخلاق فردی و اجتماعی وجود دارد، رهبر فرزانه بیانات و نظرات امام راحل را مرجع مورد اعتماد معرفی نموده و خودشان هم به مطالب مهمی اشاره نموده‌اند: به خصوص در مسئولان رده‌های بالا- سلامت اعتقادی، سلامت اخلاقی، سلامت عملکردی که از اعتقاد درست و نگاه درست به حقایق جامعه ناشی می‌شود... ما مجموعه رهنمودهای امام بزرگوار را داریم؛ امام، مورد اعتقاد و قبول و اذعان همه ما است... این شد آن شاخص... در موارد اشتباه، به این شاخص اصلی مراجعه بکنیم؛ این می‌شود سلامت اعتقادی. اصول و ارزش‌های انقلاب هم همین‌ها است، مبانی ارزشی انقلاب هم در همین بیانات وجود دارد... یکی از چیزهایی که من بر روی آن تکیه می‌کنم در این زمینه اعتقاد و نگاه قلبی و گرایش قلبی، مسئله اعتماد به خدای متعال است، اعتماد به وعده‌های الهی است؛... وقتی خدای متعال صریحاً به ما وعده می‌دهد که «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» (محمد، ۷) «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» (حج، ۴۰)... ما باید به این وعده اعتماد داشته باشیم، باید همین جور عمل کنیم (بیانات، ۷۹/۹/۱۲).

ببینید شاخص‌های امیرالمؤمنین (علیه السلام) و نظامی که او در صدد تشکیل آن نظام بود، چیست. ما باید آن شاخص‌ها را در نظر بگیریم؛ به سمت آن‌ها حرکت کنیم... شاخصه عدالت، شاخصه اخلاق، توحید، کار را برای خدا انجام دادن در نگاه به آحاد جامعه، نگاه مهربان و عطاوفت بار به همه - همه افراد جامعه- داشتن. امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عامل خود می‌فرماید که: مردم یا برادر دینی تو هستند یا هم‌جنس تو در بشریت‌اند (نهج البلاغه، نامه ۵۱) ببینید این نگاه چقدر وسیع است (بیانات، ۸۶/۱۰/۸).

امیر مؤمنان علیه السلام شاخص‌های اخلاقی کارکنان متدین را معرفی نموده و فرموده‌اند: همانا دین داران را نشانه‌هایی است که با آن‌ها شناخته می‌شوند: راست‌گویی، امانت‌داری، پابندی به عهد و پیمان، ترخّم بر ناتوانان، ... خوش‌خویی، صبر و حوصله. مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرمایند: تقوا یعنی مراقبت از خود... انسان دائم باید مراقب خود باشد... پس مراقبت دائمی از جوارح، از دل و از فکر و مغز، تقواست (بیانات، ۸۴/۵/۲۸).

دوم: خدمت به خلق

کارکنان متدین، در احسان به همکاران و ارباب‌رجوع از یکدیگر سبقت می‌گیرند؛ حرمت همکاران خود را حفظ می‌کنند و اهل تعامل در نیکوکاری هستند؛ اصل تکریم ارباب‌رجوع را محترم می‌شمارند و هرگز با همکاران و مراجعان، متکبرانه برخورد نمی‌کنند؛ زیرا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هیچ‌کس از مسلمانان را نباید کوچک شمرد، زیرا کوچک آنان در پیشگاه خداوند بزرگ است. فرماندهی کل قوانین فرموده‌اند: شما کار را به‌عنوان یک خدمت و به‌عنوان یک وظیفه و آن امکان قانونی را که در اختیار شماست، به‌عنوان یک ابزار تقرب الی الله بنگرید و در نظر بگیرید (بیانات، ۷۸۷/۱۷).

تأکید رهبری بر شاخص خدمت به مردم و یکدیگر در بیان ایشان به‌خوبی آشکار است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: گفتمان اصلی دولت اسلامی همین خدمت است؛ اصلاً فلسفه وجود ما جز این نیست؛ ما آمده‌ایم خدمت کنیم به مردم و هیچ‌چیز نباید ما را از این وظیفه غافل کند. البته ما هر کدامان دل‌بستگی‌هایی داریم، سلیقه‌هایی داریم؛ درزمینه سیاسی، درزمینه مسائل اجتماعی، دوستی‌هایی داریم، دشمنی‌هایی داریم، این‌ها همه حاشیه است؛ متن، عبارت است از خدمت؛ نباید بگذاریم این حواشی بر روی این متن اثر بگذارد. یک نکته‌ای که در این زمینه خدمت هست، این است که وقت محدود است: ... می‌بیند کأنه مثل یک روز گذشت - الْفُرْصُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۷۳) منتها در داخل همین وقت محدود، فرصت‌ها نامحدود است؛ یعنی هر ساعت شما یک فرصت برای شما است. دوم اینکه درزمینه خدمت، کار را باید جهادی کرد (بیانات، ۹۲/۶/۶). کاری کنید خدمت‌رسانی شما محسوس شود... یعنی واقعاً

در همه بخش‌ها و در همه وزارتخانه‌ها تحول در خدمت‌رسانی به وجود بیاید (بیانات، ۸۴/۶۸). قرآن کریم به کرات از روش تشویق استفاده کرده است. از جمله: بی‌گمان این قرآن به آئینی که استوار است، راه می‌نمایاند و به مؤمنانی که نیکوکاری می‌کنند بشارت می‌دهد که برای آنان پاداش بزرگی هست (اسراء، ۹).

سوم: عدالت‌طلبی

انسان‌ها از اول تاریخ تا امروز و از امروز تا پایان دنیا، همیشه عدالت را دوست داشته‌اند و به عدالت نیازمند بوده‌اند؛ این تغییر پیدا نمی‌کند... عدالت و صلاح مسئولان همیشه لازم است (۸۴/۵/۲۸). امام علی علیه السلام می‌فرماید: عدالت، برپادارنده مردم و زیور حکمرانان است. نیز: خدا به چیزی بالاتر از ادای حق مؤمن، عبادت نشده است.

امام راحل گفته‌اند: فرق مابین دولت اسلامی و غیراسلامی در این است که ظلم نشود از بالا به پایین؛ نه، اطاعت باید بشود، ظلم نباید بشود (ساعس ناجا: ۱۳۸۲). امیرالمؤمنین علیه السلام به شدت از برخورد یکسان با کارکنان متفاوت پرهیز داده و می‌فرماید: هرگز مباد که نیکوکار و بدکار در کنارت جایگاهی یکسان داشته باشند؛ که این مایه سرخوردگی نیکان از نیکی و خو گرفتن بدان به بدی است. هر کس را به جایگاهی بنشان که خود برگزیده است (معادیخواه: ۱۳۷۲)

عدالت در سازمان عقیدتی سیاسی چه مفهومی دارد؟ مصادیق آن کدام و عمل به آن چگونه است؟ رهبری به رابطه معنویت و پیشرفت اشاره نموده و فرموده‌اند که هر سازمان در بخش خودش مصادیق را بیابد: اصلاً عدالت چیست؟ عدالت، به حسب ظاهر، مفهوم ساده‌ای است و همه می‌گویند و آن را تکرار می‌کنند؛ منتها در مصداق و در عمل، رسیدن به عدالت خیلی دشوار است؛ همان نکته‌ای که امیرالمؤمنین درباره حق فرموده است: «الحق اوسع الاشیاء فی التواصف و اضیقها فی التناصف». در مورد عدل هم عیناً همین‌طور است؛ چون عدل هم حق است و اصلاً از هم جدا نیستند. به یک معنا، حق همان عدل است؛ عدل همان حق است؛ تواصفش آسان است، اما در عمل، رسیدن به عدالت مشکل است؛ یعنی شما در هر یک از بخش‌هایتان واقعاً باید ببینید عدالت چیست و با چه چیزی حاصل می‌شود... عدالت باید با معنویت همراه باشد؛ یعنی باید شما

برای خدا و اجر الهی دنبال عدالت باشید؛ البته معنویت هم بدون گرایش به عدالت، یک بُعدی است (بیانات، ۸۴/۶۸). معتقد نیستم به پیشرفت بدون عدالت. ما این دهه را اسم گذاشتیم به «دهه پیشرفت و عدالت»... این پیشرفت، قطعاً بایستی همراه با عدالت باشد. خوب، در قرآن هم شما ملاحظه می کنید؛ همه ارسالی رُسل و انزال کتب و مانند این‌ها «لَيَقْوَمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵) برای این است که جامعه با قسط زندگی بکند (بیانات، ۹۲/۶۶).

چهارم: سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد

آن دولت اسلامی که بتواند مقاصدی را که ملت ایران و انقلاب عظیم آن‌ها داشت، تأمین کند، دولتی است که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد، ویژه‌خواری نباشد، کم‌کاری نباشد، بی‌اعتنایی به مردم نباشد، میل به اشرافی‌گری نباشد، حیف و میل بیت‌المال نباشد (بیانات، ۸۴/۵/۲۸). آنچه به عنوان مصادیق مشکلات اقتصادی و فساد، در هشدار مقام معظم رهبری ذکر شده، در بعضی نهادها بیشتر و در برخی کمتر زمینه دارد، اما به هر حال سازمان عقیدتی سیاسی باید نسبت به مواردی که احتمالاً وجود داشته باشد، برخورد اصلاحی کند و در موارد دیگر اقدامات پیشگیرانه داشته باشد. رهبری به مدیران، نسبت به نظارت و مراقبت مجموعه تحت امر خود نیز سفارش و تأکید فرمودند: حالا شما به خودتان نگاه نکنید که متدینید و سطح بالا هستید و مقاومت می کنید در مقابل این وسوسه‌ها؛ در درجات پایین ممکن است در مقابل این وسوسه‌ها نتوانند مقاومت بکنند. شما باید مراقب باشید (بیانات، ۹۲/۶۶).

پنجم: قانون‌گرایی

کارکنان دولت اسلامی، در چارچوب قوانین و مقررات با امر به معروف و نهی از منکر به سالم‌سازی محیط کار کمک می‌کنند؛ جداً به نظم و انضباط معتقد و ملتزم هستند و روابط سازمانی را رعایت می‌نمایند. شغل‌ها در دولت اسلامی امانت است و پیمانی بین مردم و خدا و نیز بین مردم و دولت. امام علی (علیه السلام) فرمود: ریشه دین، امانت‌داری و پابندی به عهد و پیمان است. امام خمینی (علیه السلام) خود قانون‌گرا بودند و بر تبعیت از قانون تأکید داشتند. ایشان فرموده‌اند: پیغمبر اسلام و ائمه اسلام، تمام برای قانون خاضع بوده‌اند... قانون برای همه است (بیانات، ۶۰/۳/۱۸)

شرف و ارزش انسان‌ها در تبعیت از قانون است (بیانات، ۵۹/۱۲/۲۹) بپذیرید قانون را؛ همه‌تان روی مرز قانون عمل بکنید (بیانات، ۶۰/۳/۶).

رهبری و فرماندهی کل قوا علیه‌السلام فرموده‌اند: امام بزرگوار خودش از همه بیشتر به رعایت قوانین، به رعایت اصول، به رعایت مبانی، به رعایت جزئیات احکام شرعی مقید بود؛ و این وظیفه رهبری است (بیانات، ۹۰/۷/۲۴) منابع و مراجع قانونی و مستندات قانونی کم نداریم، فقط باید به قوانین و مقررات احترام گذاشت و به آن‌ها رجوع کرد. حاکمیت قانون، هم نظم به امور می‌دهد و هم جلوی اعمال سلیقه‌های شخصی در مقابل نص قانون را می‌گیرد و هم از ستم پیشگیری می‌نماید. رهبر بزرگوار انقلاب برخی از اسناد را نام برده‌اند: قانون‌گرایی خیلی مهم است. قانون ریل است؛... و جزو رعایت قانون، رعایت اسناد بالادستی است که امروز خوشبختانه در کشور وجود دارد؛ مثل سیاست‌های کلی، سند چشم‌انداز، مصوبات شوراهای عالی از قبیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، از قبیل شورای عالی مجازی.

ششم: حکمت و خردگرایی

مدیران و کارکنان متدین دولت اسلامی در هر نهادی از جمله در سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، کارشان را با دقت و به تمام و کمال انجام می‌دهند؛ سطح کارشناسی خود را ارتقا می‌بخشند و اهل فکر، آینده‌نگری، خلاقیت و نوآوری هستند. امیر مؤمنان علیه‌السلام فرمود: دین‌داران را نشانه‌هایی است که با آن‌ها شناخته می‌شوند: پیروی از دانش و آنچه به خدای عزوجل نزدیک می‌کند. مقام عظمای ولایت بارها راجع به خردورزی مطالبی فرمودند و از جمله به مدیران دولت اسلامی هشدار داده‌اند: بایستی سنجیده اظهار نظر کرد؛ این جور نباشد که ما حالا یک مدیری هستیم، یک مسئولی هستیم، درباره یک مسئله‌ای یک مطلبی به ذهنمان می‌رسد، کارشناسی نشده، بررسی نشده، جوانب دیده نشده، این را نباید پرتاب کرد در فضای افکار عمومی؛ گاهی اوقات جمع کردنش کار سخت و مشکلی است. این خردگرایی و حکمت در مدیریت‌ها و در کارها است؛ و از جمله شقوق همین حکمت، استفاده از ظرفیت بالای کارشناسی است (بیانات، ۹۲/۶/۶). ایشان همچنین برداشت اشتباه از عقلانیت را مطرح و اصلاح نموده‌اند: عقلانیت و محاسبه که می‌گوییم، فوراً به

ذهن نیاید که عقلانیت و محاسبه به معنای محافظه کاری، عقل گرایی و تابع عقل بودن است. عاقل بودن و خرد را به کار گرفتن با محافظه کاری فرق دارد. محافظه کار، طرفدار وضع موجود است؛ از هر تحولی بیمناک است؛ هرگونه تغییر و تحولی را برنمی تابد و از تحول و دگرگونی می ترسد؛ اما عقلانیت این طور نیست؛ محاسبه عقلانی گاهی اوقات خودش منشأ تحولات عظیمی می شود ... الآن در نظام ما برخی از تحولات هست که مُنتجۀ یک نگاه عقلانی و دقیق و موشکافانه به وضع موجود و وضع دنیاست ... دولت اسلامی بدون گسترش علم و دانایی به جایی نخواهد رسید. گسترش آزاداندیشی هم مهم است. واقعاً انسان‌ها باید بتوانند در یک فضای آزاد فکر کنند. آزادی بیان تابعی از آزادی فکر است ... در غیر فضای آزاد فکری، امکان رشد وجود ندارد. ما به تعقل توصیه می کنیم. قرآن اساساً از اولش بر اساس تعقل پیدا شده است (بیانات، ۸۴/۶۸).

هفتم: تکیه به ظرفیت درون‌زای کشور

دولت اسلامی از سرمایه‌های علمی و فن‌آوری بشری بهره می‌گیرد، اما پیشرفت را منوط به آن نمی‌کند و همواره صرفاً واردکننده و مصرف‌کننده آن نیست؛ ظرفیت‌های داخلی را نادیده نمی‌گیرد؛ استعدادهای داخلی را به کار گرفته و پرورش می‌دهد. رهبری هم بر این معنا اصرار داشته‌اند: نگاهمان به بیرون نباشد. این، توصیه ما است ... نمی‌گوییم از این‌ها استفاده نکنید، اما می‌گوییم اطمینان نکنید، اعتماد نکنید، چشم به آنجا ندوزید، چشم به داخل بدوزید. در داخل کشور خیلی امکانات وجود دارد. اگر بتوانیم از این نیروهای داخلی استفاده کنیم، کلید حل مشکلات اینجا است (بیانات، ۹۲/۶۶).

دولت اسلامی و ضرورت هماهنگی سازمان عقیدتی سیاسی ناجا

نظریه‌های دولت‌سازی اسلامی

الآن یک نظام اسلامی داریم که اصولش هم مشخص و مبنای حکومت در آنجا معلوم است. مشخص است که مسئولان چگونه باید باشند. قوای سه‌گانه وظایفشان معین است. وظایفی که دولت‌ها دارند، مشخص و معلوم است؛ اما نمی‌توانیم ادعا کنیم که ما یک دولت اسلامی هستیم؛ ما کم داریم. ما باید خودمان را بسازیم و پیش ببریم. ما باید خودمان را تربیت کنیم (بیانات، ۷۹/۹/۱۲).

سازوکار رسیدن به دولت کریمه اسلامی چیست؟ این مسئله‌ای است که تاکنون پاسخ‌های متفاوتی برای آن مطرح شده است. با یک نگاه کلان می‌توان تجربه‌های مختلف صورت گرفته تا امروز را در سه نظریه مشخص دسته‌بندی کرد. نظریه سوم و مختار، نظریه «دولت اسلامی حداکثر» است که افزون بر برخورداری از راهبردهای مثبت دو نظریه قبل، ضرورت اسلامی سازی کارشناسی در مقابل کارشناسی سکولار را نیز مطرح می‌سازد. البته هر یک از نظریه‌های اول و دوم، در مقطعی از سیر تکاملی حرکت نظام اسلامی حاکم بوده‌اند و در آن زمان توانسته‌اند حرکت انقلاب را به سوی اهداف والای آن رهبری نمایند. بر این اساس تئوری سوم را باید شکل تکامل یافته آنها و نظریه‌ای حاصل از مجموعه تجربیات حکومتی دولتمردان انقلاب اسلامی به‌شمار آورد.

نظریه دولت اسلامی حداقل

این نظریه که به دنبال جریان دین در چارچوب قانون اساسی است، در بدو پیروزی انقلاب اسلامی مطرح شد. معتقد بود که فقه موجود در حوزه‌های شیعه توانایی اداره هر حکومتی را در هر زمان ممکن دارد و احکام موجود در فقه سنتی حوزه‌های علمیه می‌تواند پاسخگوی تمام نیازهای اجتماعی حکومت باشد. امام خامنه‌ای در بیانات خود در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۱ در این باره می‌فرماید: دین حداقلی و اکتفای به حداقل‌ها، از نظر اسلام قابل قبول نیست؛ ما در معارف خودمان چیزی به‌عنوان دین حداقلی نداریم، بلکه در قرآن کریم در موارد متعددی اکتفای به بعضی از تعالیم دینی دون بعضی، مذمت شده است؛ «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» (حجر، ۹۱) یا آیه شریفه «وَيَقُولُونَ نُوْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكَرُوا بِبَعْضٍ» (نساء، ۱۵۰) که مربوط به منافقین است، اشاره به همین است.

نظریه دولت اسلامی حد وسط

صاحبان این نظریه معتقدند افزون بر تدوین قوانین بر اساس معرفت دینی و احکام فقهی، لازم است در فقه نیز تحول ایجاد شود؛... البته با این قید که به دلیل یقینی بودن و حجیت داشتن روش تفقه و مدل استنباط حوزه‌های علمیه، تحول و تکامل ضرورتاً باید با تکیه بر اصول فقه موجود صورت گیرد و از قواعد آن پیروی کند. نظریه حد وسط، مدعی است نظام اسلامی به «فقیه

کارشناس» نیازمند است. بر این پایه، کسانی باید به اداره علمی کشور بپردازند که دو ویژگی بارز فقهت دینی و کارشناسی موضوع را در خود جمع کرده باشند ... مشکل اصلی این اندیشه را باید در توقف در روش اجتهاد سنتی و عدم وارد کردن مقتضیات زمان و مکان در نظام استنباط احکام شرعی دانست. از این رو مقام معظم رهبری در راستای اصلاح و تکامل نظریه یادشده، این دیدگاه را مطرح نموده‌اند که فقهت، یک شیوه و روش برای استنباط آن چیزی است که ما اسمش را «فقه» می‌گذاریم ... فقهت یعنی شیوه استنباط؛ خود این هم به پیشرفت احتیاج دارد. اینکه چیز کاملی نیست، بلکه متکامل است. نمی‌شود ادعا کرد که ما امروز دیگر به اوج قله فقهت رسیده‌ایم و این شیوه دیگر بهتر از این نخواهد شد؛ نه، از کجا معلوم است؟ روش‌ها که عوض شد، جواب‌های مسائل نیز عوض خواهد شد و فقه طور دیگری می‌شود.

نظریه دولت اسلامی حداکثر

در حقیقت این دیدگاه معتقد است افزون بر لزوم دخالت دین در جریان شکل‌گیری قانون و نیز تربیت کارشناسان فقیه و اسلام‌شناس، باید مباحث تحلیلی کارشناسان در امر مهندسی و مدیریت نظام‌مند جامعه نیز از معیارهای دینی استخراج شوند و سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای دولت در ترازوی سنجش دینی قرار گیرند. به عبارت دیگر، امر «کارشناسی» که با آن راهکارهای اداره جوامع استخراج می‌شود و چپستی و چگونگی الگوها و نرم‌افزارهای دولتی را معین می‌کند، باید به سمت اسلامی شدن پیش رود. برخی از گفتمان‌هایی که رهبر فرزانه انقلاب برای شکل‌گیری این نظریه مطرح فرمودند عبارت‌اند از: «تحول در حوزه»، «جنش نرم‌افزاری»؛ و «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» (عبداللهی، ۱۳۹۵).

ضرورت هماهنگی سازمان عقیدتی سیاسی ناجا

بهتر است که اسلام‌سازی دولت، تحت مسئولیت واحد و به صورت هماهنگ، با برنامه‌ریزی مصوب انجام پذیرد، اما با تبیین و تحلیل‌هایی که مقام معظم رهبری علیه‌السلام از این موضوع داشته‌اند، هر نهادی و از جمله سازمان عقیدتی سیاسی ناجا می‌تواند خود مستقلاً به بررسی و برنامه‌ریزی جهت هماهنگی با ارکان دولت اسلامی و نیز با سازمان‌های عقیدتی سیاسی نیروهای مسلح

بپردازد. توجه به این رهنمود رهبر فرزانه، اهمیت این قضیه را گوشزد می نماید: هدایت کننده و به تعبیری که بنده تکرار می کنم، پلیس راهنمای این بیست و چند راه، رئیس جمهور محترم است که هماهنگی ایجاد می کند تا بشود این کار واحد بزرگ را انجام داد (بیانات، ۸۴/۶۸).

برنامه ها و ساز و کارهای سازمان عقیدتی سیاسی ناجا

معنای شعار دولت اسلامی این است که ما می خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان و رفتار با دیگران را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیکتر کنیم ... زمانی می توان مدعی شد که جمهوری اسلامی توانسته است مرحله سوم فرایند را با موفقیت پشت سر بگذارد که دولت مردان آن توانسته باشند در منش و روش خود به نصاب لازم در اسلامیت دست یافته باشند (۸۴/۶۸).

بایدها و نبایدهای مدیریتی

طراحی و برنامه ریزی های کارآمد، خلاق و نوآورانه و تحول اداری، گزینش دقیق ورودی ها، انگیزش و آموزش لازم، فرهنگ سازی و تربیت اخلاقی، عدالت محوری و ترویج روابط انسانی، ایجاد رقابت سالم و مؤثر، قاطعیت در برخورد با گناه، جرم و سوء رفتار و در نهایت ارزیابی و کاربست آن در اصلاح طرح ها و برنامه ها، از اهم مسائل مدیریتی سازمان است که به تفکیک و اختصار و با تکیه بر دیدگاه رهبری به آنها می پردازیم:

دین مداری: سازمان دین مدار در دولت اسلامی، آنچه از نیرو، اقتدار، امکان و توان دارد، در راه حفظ دین به کار می برد و هرگز دین را ابزار مقاصد دنیوی قرار نمی دهد. امام علی علیه السلام فرمود: دین را به وسیله دنیا حفظ کنید و دنیا را با دین پاس ندارید.

احساس مسئولیت: از خدا بخواهیم و خودمان هم مجاهدت کنیم تا بتوانیم مانند یک کارگزار اسلامی واقعی، یک مسئول حقیقی مؤمن و اسلامی، در هر بخشی که هستیم، عمل کنیم. باید این طور شود و چاره ای هم نیست (بیانات، ۷۹/۹/۱۲).

پاسخگویی: نظام پاسخگویی را برای خودتان متحتم بدانید ... هر کدام در حوزه کار خودشان پاسخگو باشند؛ یعنی هم در برابر خطایی که انجام می گیرد، واقعاً پاسخگو باشند، هم در برابر کار

لازمی که باید انجام می گرفته و انجام نمی گیرد، پاسخگو باشند. در خیلی از موارد خلافی انجام نگرفته؛ اما خلاف این بوده که کارهای زیادی باید انجام می گرفته، ولی انجام نگرفته است. کار نکردن به مقدار لازم هم یک نوع تخلف است (بیانات، ۸۴/۶۷۸). یک سرِ مردم سالاری عبارت است از این که تشکل نظام به وسیله اراده و رأی مردم صورت گیرد؛ سرِ دیگر قضیه مردم سالاری این است که حالا بعد از آن که من و شما را انتخاب کردند، ما در قبال آن‌ها وظایف جدی و حقیقی داریم. بعد از آن که این نیمه اول تحقق پیدا کرد، نوبت نیمه دوم است؛ نوبت پاسخگویی است (بیانات، ۷۹/۹/۱۲).

مدیریت زمان: سرعت عمل، خوب است؛ عجله و انفعال و شتاب زدگی بد است. دولت باید این‌ها را به جد، بدون دستپاچگی، با تدبیر درست، و در طول مدت مقرر و معقول دنبال کند (بیانات، ۸۴/۵/۲۸).

هدایت: مدیران و روحانیان عقیدتی سیاسی در پی رسالت پیامبر و امامان و ولایت فقیه، برانگیزاننده و راهنما باشند، که خداوند به پیامبر رحمت و هدایت فرمود: ای پیامبر! ما تو را گواه و مؤده رسان و هشداردهنده فرستاده ایم و نیز دعوتگر به سوی خداوند به اذن او، و همچون چراغی تابان (احزاب، ۴۵ و ۴۶).

ولایت فقیهی که امام بزرگوار ما معنا کردند، تعریف کردند، مطرح کردند و بعد پیاده کردند و بعد خود آن بزرگوار مظهر تام و تمام و کاملش بودند ... یعنی یک مدیریت زنده و بالنده و پیش رونده (بیانات، ۹۰/۷/۲۴).

هماهنگی: توصیه دیگر، کار جمعی و متوازن است. همه دارید بخش‌های یک عمارت را می‌سازید (بیانات، ۸۴/۶۷۸).

نیروی انسانی: این نظام اسلامی فقط شکل نیست؛ محتوایی دارد؛ یعنی کارهایی باید در واقعیت زندگی مردم انجام بگیرد. تحقق این واقعیت‌ها در زندگی مردم، مردان و عناصر مؤمن و معتقد به خودش را- که دارای صفات و خصوصیات لازم هم باشند- می‌طلبد؛ این می‌شود دولت اسلامی (۸۴/۶۷۸). **شایسته سالاری:** در زمینه شایسته سالاری، من باز این حدیث را از پیغمبر اکرم برای شما بخوانم

«فلیس الاکبر هو الافضل بل الافضل هو الاکبر»؛ آن کسی که بزرگ‌تر است، لزوماً برتر نیست؛ بلکه آن کسی که برتر است، در واقع بزرگ‌تر است. در نیروهای مسلح، در نهادهای گوناگون، این اصل شایسته‌سالاری باید رعایت شود؛ شایسته‌گزینی؛ تمام این تغییرها و تبدیل‌هایی که در اسلام وجود دارد، بر اساس این است (بیانات، ۹۰/۷/۲۴). نیروهای شایسته وقتی تعامل مثبت دارند و هدف واحدی را دنبال می‌کنند، بهره‌وری سازمان را ارتقا می‌بخشند: جمع افرادی آرمان‌گرا و هدفمند، قادرند انرژی مضاعف و عظیمی را برای تحقق آرمان‌های شخصی و جمعی به وجود آورند (سنگه، ۲۰۰۶).

گزینش: در هر گزینشی که می‌کنیم، در هر جذبی، در هر دفعی، معیار خدایی را در نظر داشته باشیم. در هر چیزی که اغراض شخصی و هوای نفس وارد شود، غیر خدایی است. اگر این‌ها دخالتی نداشت، عامل اصلی و عمده عبارت خواهد بود از ادای وظیفه و انجام تکلیف؛ این خدایی است (بیانات، ۸۴/۶۸).

سازمان‌دهی: برای این‌که آن مقصود - یعنی کشور اسلامی - به‌طور کامل محقق شود، احتیاج است که دستگاه حاکم کشور در عمل خود، در سازمان‌دهی خود و در چگونگی رفتار خود، به‌طور کامل اسلامی عمل کند (بیانات، ۸۴/۵/۲۸).

عدالت محوری: امکاناتی که در کشور هست، عادلانه و عاقلانه تقسیم کنیم. عدالت را واقعاً محور همه برنامه‌ریزی‌های خودتان قرار دهید و ببینید در بخش‌های مختلف چگونه می‌شود آن را تأمین کرد (بیانات، ۸۴/۶۸).

نوع مدیریت: روحانیان ملجأ کارکنان برای شنیدن مشکلات آن‌ها و رسیدگی، راهنمایی و مساعدت با آنان و احقاق حقوقشان باشند تا کارکنان از سازمان و متولیان دین خیر دیده و خاطرات خوب داشته باشند. سازمان عقیدتی سیاسی، برای اجرای این طرح، بهتر است از مدیریت بر مبنای هدف و نتیجه استفاده نماید. در مدیریت بر مبنای هدف و نتیجه، مدیریت، نتایجی را که می‌خواهد به آن‌ها برسد تعیین و تعریف می‌نماید؛ و طرح عملیاتی و وسایل نیل به آن نتایج را مشخص می‌سازد (رایبزر، ۱۳۹۳).

تحول در مدیریت: محتوا را باید اسلامی کرد. اگر می‌خواهیم حقیقتاً اسلامی شویم، باید در نحوه مدیریتمان تحول ایجاد کنیم. این تحول در مدیریت را چه کسی باید انجام دهد؟ خود ما باید انجام دهیم. اولین گام در تحول این است که رفتار خودمان، کیفیت کارمان، عزل و نصب خودمان، اعمال مدیریت خودمان، جذبه‌ای که به خرج می‌دهیم، انعطافی که به خرج می‌دهیم، برخوردی که با طبقات مخاطب و مراجع به خودمان انجام می‌دهیم، اسلامی باشد (بیانات، ۸۴/۶۷۸). سیاست‌های کلی را یادآوری کنم، یکی سیاست‌های تحول نظام اداری است که تصویب هم شده، ابلاغ هم شده. ما واقعاً در زمینه مسائل اداری و نظام اداری دچار مشکلات و آسیب‌های دیرپا و مزمن هستیم. این سیاست‌ها مطرح شده، در مجمع تشخیص مورد بررسی قرار گرفته و ابلاغ شده است؛ به نظر من سیاست‌های بسیار خوبی است، باید برای این‌ها برنامه اجرایی گذاشت و عملیاتی کرد که از جمله چیزهای بسیار مهم است که متأسفانه مانده، تأخیر هم شده و به جریان نیفتاده است (بیانات، ۹۲/۶۶). نظام جمهوری اسلامی، هم ثابت دارد، هم تحول دارد. ثابت وجود دارد، یعنی حرکت، یک حرکت مستمری است به سمت آرمان‌ها؛ تذبذب و عوض کردن راه وجود ندارد؛ حرکت در خط مستقیم به سمت آرمان‌های معین است؛ اما سازوکارها عوض می‌شوند (بیانات، ۹۰/۷/۲۴).

تغییر اصولی: اول این‌که، نوسازی نظام ممکن است، اما به معنای تجدیدنظر در آرمان‌ها نیست، زیرا این آرمان‌ها فطری است. دوم این‌که، نوسازی به معنای تغییر نظامات، تغییر سازوکارها، تغییر سیاست‌ها، عملی است، ممکن است؛ در مواردی هم لازم است و مانع از تحجر است؛ منتها باید بر طبق اصول باشد. نکته سوم هم همین است که این تغییر باید بر اساس اصول باشد (بیانات، ۹۰/۷/۲۴). اثربخشی: من و امثال من اگر خودمان صادق باشیم، می‌توانیم مردم را صادق بار بیاوریم. اگر خود ما اسیر هوی و هوس نباشیم، می‌توانیم مردم را آزاد از هوی و هوس بار بیاوریم. اگر ما شجاع باشیم، می‌توانیم مردم را شجاع بار بیاوریم. اگر من و امثال من اسیر هوی و هوس و دنبال طمع و بنده و ذلیل ترس و طمع خود بودیم، نمی‌توانیم مردم را با فضایل بار بیاوریم (بیانات، ۸۴/۵/۲۸).

تلاش و امید: یکی از کارهای واجب و اصلی برای هر انسانی - چه در موضع یک فرد، چه

در موضع یک جمع، که حکومت و یا یک قدرت باشد - این است که مبارزه کند؛ یعنی دائم باید تلاش کند و به تبلی و بی‌عملی و بی‌تعهدی تن ندهد. البته این مجاهدت باید مجاهدت فی سبیل الله باشد (بیانات، ۷۹/۹/۱۲).

امید به پیروزی در همه شرایط است؛ به شرط آن که جهاد فی سبیل الله باشد. این‌ها وظایف یک انسان به‌عنوان یک فرد و وظایف یک مجموعه به‌عنوان حکومت است. البته در حکومت حق، در آنجایی که قدرت در دست بندگان خدا - مؤمنین بالله و مؤمنین به سبیل الله - قرار دارد، این وظیفه سنگین‌تر است. چرا؟ چون توانایی شما به‌عنوان جزئی از مجموعه حکومت دولت، با توانایی فردی مثل شما در بهترین حالات حکومت طاغوت قابل مقایسه نیست. پس بایستی این را قدر دانست (بیانات، ۷۹/۹/۱۲).

استقامت: می‌خواهید جوانانتان سرافراز باشند؟ می‌خواهید فرادیتان فردای روشنی باشد؟ باید استقامت داشته باشید. فعال، کرار، خستگی‌ناپذیر و دنبال‌کننده اهداف خود؛ آینده چنین ملتی روشن است. ملت ما خوشبختانه این راه را شروع کرد و تا امروز ادامه داده؛ منتها این راه استمرار لازم دارد (بیانات، ۸۴/۵/۲۸).

خدمت بی‌منت: «وَإِيَّاكَ وَالْمَنَّ عَلَى رَعِيَّتِكَ بِإِحْسَانِكَ أَوْ التَّزِيدَ فِيمَا كَانَ مِنْ فِعْلِكَ أَوْ أَنْ تَعِدَهُمْ فَتُتْبِعَ مَوْعِدَكَ بِخُلْفِكَ فَإِنَّ الْمَنَّ يُبْطِلُ الْإِحْسَانَ وَالتَّزِيدَ يَذْهَبُ بِنُورِ الْحَقِّ وَ الْخُلْفُ يُوجِبُ الْمَقْتَّ عِنْدَ اللَّهِ وَالنَّاسِ» می‌فرماید: نه سر مردم منت بگذارید که ما این کارها را برای شما کردیم یا می‌خواهیم بکنیم؛ نه آنچه را برای مردم انجام دادید، درباره‌اش مبالغه کنید. هرچند این‌ها کلام امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به مالک اشتر است، اما خطاب به ما هم هست (۷۹/۹/۱۲).

فساد: دولت اسلامی که بتواند مقاصدی را که ملت ایران و انقلاب عظیم داشت، تأمین کند، دولتی است که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد، ویژه‌خواری نباشد، کم‌کاری نباشد، بی‌اعتنایی به مردم نباشد، میل به اشرافی‌گری نباشد، حیف و میل بیت‌المال نباشد، و دیگر چیزهایی که در یک دولت اسلامی لازم است (بیانات، ۸۰/۹/۲۱).

۳-۵- بایدها و نبایدهای علمی

سازمان عقیدتی سیاسی برای رسیدن به موقعیت دولت اسلامی، ناچار است که واجد نیروی انسانی مؤمن، کارشناس، خلاق و متخصص باشد. برای این مقصود باید به نکاتی توجه عملی نشان داد: **خلاقیت و نوآوری**: کارکنان و مدیران سازمان می‌توانند با آگاهی از میزان خلاقیت و تقویت آن، از حداکثر توانمندی‌های فکری، ذهنی و عقلی خود در جهت پویا کردن سازمان بهره‌گیرند و از طریق ایجاد، پرورش و کاربردی کردن خلاقیت، روحیه جسارت علمی، انتقادگری و انتقادپذیری، روحیه علمی و پژوهشی را در تک‌تک کارکنان سازمان تقویت و بدین وسیله، سازمان را خلاق کنند.

سازمان عقیدتی سیاسی همواره از طریق آموزش، تبلیغات و... سعی بر افزایش دانش و تقویت ایمان کارکنان داشته است، اما اکنون نیازها، شرایط و انتظارات جدیدی وجود دارد؛ بنابراین باید روش‌ها و شیوه‌های کار را بازنگری و در این زمینه‌ها به خلاقیت و نوآوری هم‌رویی آورد، از روش‌های مدیریتی مؤثرتر استفاده نماید. بر اساس نظریه گیلفورد، کسی دارای تفکر واگرا و خلاق است که بتواند با سیالی، ابتکار، انعطاف‌پذیری و بسط جزئیات و... بیشتر فکر کند. بر این اساس آنچه باید ارزیابی شود، رشد این ابعاد و عناصر است (گیلفورد، ۱۳۸۷).

ایمان قوی: امام باقر (ع) فرموده‌اند: پیروان اسلام در پرتو معرفت واقعی و درک حقایق علمی روایات، می‌توانند به عالی‌ترین مدارج ایمان نائل شوند (مجلسی، ۱۳۵۸). امام صادق (ع) می‌فرماید: کسی که دینش را از طریق کتاب خدای عز و جل بشناسد، اگر کوه‌ها از جای خود بجنبند او در دین خود متزلزل نشود؛ و کسی که ندانسته عقیده‌ای را بپذیرد، ندانسته هم از آن خارج می‌شود (همان).

عمق علمی: آموزش‌های عقیدتی سیاسی نباید تکراری، اجباری و خسته‌کننده و یا دیرهمضم و صعب‌الفهم باشد، بلکه متونی شیوا، با بیانی زیبا، و در صورت امکان با استفاده از فناوری‌های دیداری و آمیخته با هنر ارائه گردد. ذهن‌ها را به تلاش و کنکاش و پرسش ترغیب کند و کنجکاوای فراگیران را تشدید و تعمیق نماید، نه اشباع. رهبر معظم انقلاب در این مورد تصریح می‌کنند: به

برادران عقیدتی سیاسی توصیه می‌کنم به معلومات پر عمق، متین و مستحکم پردازید، بیش از آن‌که به شعار و حرف‌های خطابی غیرقابل استفاده پردازید (سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، ۱۳۸۲).
تعلیم مدرسه، دادن علم به ذهن است و تعلیم روحانیت، تعلیم معرفت به دل (همان).
افزایش فن تحلیل: با تغذیه علمی مفید، زمینه‌سازی و تشویق به تفکر و تدبیر، مطالعه و تحقیق، مشورت، برگزاری جلسات پرسش و پاسخ، استدلال منطقی در دفاع از ارزش‌های اسلامی، عدم شتاب‌زدگی در تحلیل مسائل، ارائه ملاک‌های برتری و ترجیح ارزش‌ها از قبیل میزان اهمیت، سودمندی، اثربخشی و پایداری میسر می‌شود.

شرکت‌های دانش‌بنیان: به‌طور ویژه، روی مسئله پیشرفت علم باید کار بشود؛... یکی تکمیل زنجیره علم و فناوری و نکته بعدی هم شرکت‌های دانش‌بنیان است. خوشبختانه امروز شرکت‌های دانش‌بنیان با تعداد بالایی تشکیل شده و وجود دارد، هر چه می‌توانید باید بروید سراغ شرکت‌های دانش‌بنیان (بیانات، ۹۲/۶۶).

بایدها و نبایدهای اخلاقی

هر کس هم که جدیداً مسئولیت را بر عهده می‌گیرد، با این نیت و با این هدف مسئولیت را قبول کند که می‌خواهد برای خدمت به مردم، یک انسان صالح شود. آن وقت می‌شود تشکیل دولت اسلامی (بیانات، ۸۰/۹/۲۱).

آقایان روحانیون عزیز ما می‌دانند و باید دائماً توجه داشته باشند که عمل، بیش از زبان کارایی دارد. ما باید عمل خود را درست کنیم. ما باید درس‌ها و تلاش‌های فرهنگی و کلاس‌ها و گزینش‌ها را با این معیار بسنجیم و ببینیم آیا این، افراد را به خدا نزدیک می‌کند؟ این، احساس حضور را در دل زنده می‌کند یا نمی‌کند؟ اگر کرد، خوب است؛ و الا، فلا (بیانات، ۷۰/۱۱/۲).
معیارهای اسلامی هر کدام از شما تلاش کنید که برای این مسئولیت‌ها خودتان را با الگوی اسلامی منطبق سازید؛ یعنی دینتان، تقوایتان، رعایتتان نسبت به حال مردم، رعایتان نسبت به شرع، رعایتان نسبت به بیت‌المال، اجتنابتان از خودخواهی‌ها و خودپرستی‌ها و ریفی‌بازی‌ها و قوم و خویش‌پرستی‌ها و اجتنابتان از تنبلی و بیکارگی و بی‌عملی و هوی‌وهوس و این چیزها، مطابق با

الگوی اسلام باشد (بیانات، ۷۹/۹/۱۲). این‌ها باید جهت‌گیری‌ها و رفتار اجتماعی و رفتار فردی خود و رابطه‌شان با مردم را با معیارهای اسلامی تطبیق دهند تا بتوانند به آن اهداف برسند. بعد هم باید آن جهت‌گیری‌ها را در مد نگاه خودشان قرار دهند و به سرعت به سمت آن جهت‌گیری‌ها حرکت کنند؛ این می‌شود دولت اسلامی (بیانات، ۸۴/۶/۸). مسئولان گوناگون ما باید بتوانند تا حد قابل قبولی خود را با این قالب‌ها و معیارهای دینی و اخلاقی اسلامی تطبیق دهند. اگر ما قدم به قدم تحول درونی خود را جدی بگیریم و پیش ببریم و پایبندی خود را به ارزش‌ها و اصول خود عملاً نشان دهیم، کارایی و توفیقات ما هم بیشتر خواهد شد (بیانات، ۷۹/۹/۱۲).

دعوت با عمل: البته مدیران و کارکنان سازمان عقیدتی سیاسی که در موضع مأموریت ارشادی کارکنان قرار دارند، و خواه‌وناخواه در موضع مقتدا و الگو قرار می‌گیرند، باید از ویژگی‌های برجسته و مزیت‌های آشکار تدینی برخوردار باشند، زیرا امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: کسی که خویشتن را در موضع ارشاد رفتاری مردم قرار می‌دهد، باید که پیش از آموزش دیگران، با آموزش خویش کار را شروع نماید؛ و نیز لازم است پیش از تأدیب با زبان و گفتار، با اعمال و رفتار خویش مردم را ادب آموزد (مجلسی، ۱۳۵۸). ای مردم! به خدا سوگند من شما را به هیچ طاعتی و اداری نمی‌کنم، مگر این‌که پیش از شما خودم به آن عمل می‌کنم و شما را از معصیتی نهی نمی‌کنم، مگر این‌که خودم پیش از شما از آن کناره‌گیری می‌نمایم (نهج البلاغه: خطبه ۱۷۵) «مَنْ لَمْ يُصَلِحْ نَفْسَهُ لَمْ يُصَلِحْ غَيْرَهُ» یعنی هر کس خود را اصلاح نکرده، نمی‌تواند دیگران را بسازد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۳۷).

رهبر فرزانه انقلاب بر این نکته تأکید دارند: این مرحله سوم است؛ ما الآن در این مرحله قرار گرفته‌ایم و باید دائم تلاش ما این باشد. اگر روحانی هستیم، هر کجا قرار داریم، اولین و مهم‌ترین وظیفه را اصلاح کار خود بدانیم؛ چون اصلاح شخص ما، صرفاً اصلاح شخص نیست؛ ما منشأ اثریم و یک کلمه حرف و یک امضا و یک تصمیم‌گیری من و شما در جامعه تأثیر می‌گذارد. ما اگر خود را اصلاح کردیم، جامعه را اصلاح کرده‌ایم (بیانات، ۸۰/۹/۲۱). اول، ما اسلامی می‌شویم؛ وقتی اسلامی شدیم، «کونوا دعاة الناس بغير السنتکم»؛ آن وقت عمل ما مردم را مسلمان واقعی

خواهد کرد و کشور، اسلامی خواهد شد؛ هم احکام و مقررات اسلامی است، هم اجرا اسلامی است، هم دولت مردان اسلامی اند، هم مردم به تبع حال و به تبع دولت مردان از لحاظ اخلاقی اسلامی خواهند شد. واقعاً «الناس علی دین ملوکهم». ملوک در اینجا به معنی پادشاهان نیست که بگوییم ما پادشاه نداریم؛ نه، ملوک شماها هستید؛ الناس علی دین ماها. رفتار ماها یک تأثیر قهری در رفتار مردم دارد (بیانات، ۸۴/۶۸). زمانی که عقیدتی سیاسی راهبر مسائل عقیدتی سیاسی است؛ خود افراد این ستاد می‌بایست در این زمینه فعالیت‌های بیشتری انجام دهند؛ باید پایبندی کامل به اسلام را در عمل از خود نشان دهند؛ پایبندی به فرایض و رعایت اخلاق اسلامی، از اهم مسائلی است که در روح و عمل انسان تأثیرات بسیاری می‌گذارد. توصیه‌ای که من به شما [روحانیون عقیدتی سیاسی] دارم این است که به روح دین و ایمان دینی زیرمجموعه خود دقت کنید (سازمان عقیدتی سیاسی ناجا: ۱۳۸۲).

رهبری، خطاب به مسئولان عقیدتی سیاسی ناجا فرمودند: اخلاق ما باید طبق آن چیزی باشد که می‌گوییم و به آن دعوت می‌کنیم: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ» یعنی «بِأَعْمَالِكُمْ». اگر ما پایبندی خود را به اصول دینی و اسلامی و فرمایش‌های امام بزرگوار و آنچه در نظام جمهوری اسلامی مقرر است، عملاً نشان دادیم، حرف ما در محیطی که پراکنده می‌شود، اثر خواهد کرد؛ آنگاه خیلی احتیاج به اصرار و فشار و زور نخواهد بود، بلکه نفس جاذبه عمل، دیگران را به هماهنگی و همگامی و هم‌آوایی وادار خواهد کرد (بیانات، ۷۰/۱۱/۲).

ما مسئولان باید خود را بسازیم؛ مرتب با خود کلنجار برویم؛ یکدیگر را به حق وصیت کنیم؛ یکدیگر را ارشاد کنیم؛ مثل آینه‌ای در مقابل یکدیگر، عیب‌هایمان را صادقانه به هم نشان دهیم؛ بنا را بر رفع عیب بگذاریم و خود را روز به روز بهتر کنیم (بیانات، ۸۰/۹/۲۱).

یکی از چیزهایی که ما لازم داریم، استقامت و پایداری است. استقامت، یعنی مسیر و جهت‌گیری را گم نکنیم و مرتب خطاها را اصلاح کنیم و از این که به ما بگویند خطا کرده‌اید، بدمان نیاید (بیانات، ۸۰/۹/۲۱).

تقوا: امت اسلامی هم اگر با تقوا بود، می‌تواند در راه‌های دشوار حرکت کند؛ مشکلات در

مقابل او زانو می‌زنند؛ او در مقابل مشکلات زانو نمی‌زند. به این جمله امیرالمؤمنین (علیه السلام) توجه کنید: «فَمَنْ أَخَذَ بِالتَّقْوَى عَزَبَتْ عَنْهُ الشَّدَائِدُ بَعْدَ دُنُوهَا»؛ اگر فردی - و من عرض می‌کنم اگر ملتی - تقوا را برای خودش جاده عمل قرار داد و متقی شود، شداید زندگی اگر نزدیک او هم رسیده باشد، از او دور خواهد شد «وَ اِخْلَوْلَتْ لَهُ الْأُمُورُ بَعْدَ مَرَارَتِهَا»؛ تلخی‌های زندگی برای او شیرین خواهد شد. «وَ انْفَرَجَتْ عَنْهُ الْأُمُوجُ بَعْدَ تَرَائِكِمَهَا»؛ امواج طوفنده شداید زندگی، بعد از آن‌که متراکم شده باشند، از او دور خواهند شد و او بر امواج سوار خواهد شد. «وَ أَسْهَلَتْ لَهُ الصَّعَابُ بَعْدَ انْصَابِهَا»؛ دشواری‌ها و سختی‌های زندگی بعد از آن‌که به سخت‌ترین مرحله رسیده باشد، برای او آسان خواهد شد (بیانات، ۸۴/۵/۲۸).

چالش‌ها و آسیب‌ها

شناسایی چالش‌ها و موانع تحقق کامل دولت اسلامی، ضرورتی برای برنامه‌ریزی و ارائه راهکارهایی در جهت فائق آمدن بر آن چالش‌ها و رفع موانع است. رهبر فرزانه در این مورد نیز بیاناتی دارند که در واقع به اهم چالش‌ها و آسیب‌ها در مسیر دولت‌سازی اسلامی، توجه داده‌اند:

اختلال در جهت‌گیری: اسم ماد دولت اسلامی باشد، کافی نیست؛ باید عمل و جهت‌گیری ما اسلامی باشد. اگر در این‌ها اختلال پیدا شود، حرکت مستمر و مداوم و پویندگی که لازم است تا دولت اسلامی به صورت کامل شکل بگیرد، دچار نکث می‌شود و طبعاً کار عقب می‌افتد (بیانات، ۸۴/۶/۷۸).

خطر هوی پرستی و آرزوهای طولانی: عمده‌ترین خطر چیست؟ من در پاسخ به این سؤال یک روایت می‌خوانم. فرمود: «أَنَّ اخْوَفَ مَا اخْأَفَ عَلَيْكُمْ اِثْنَانِ اتِّبَاعَ الْهَوَى وَ طَوْلَ الْأَمَلِ». خطر عمده دو چیز است: اول، هوس پرستی و هوی پرستی است. تعجب نکنید؛ از همه خطر‌ها بالاتر، همان هوای نفس است که در دل ماست؛ «أَنَّ اَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ» از همه دشمن‌ها دشمن‌تر، همان نفس، همان «من» و همان خودی است که در وجود توست؛ آن منیّتی که همه چیز را برای خود می‌خواهد. اینجا هم از زبان پیغمبر همین را می‌فرماید: «أَنَّ اخْوَفَ مَا اخْأَفَ عَلَيْكُمْ اِثْنَانِ اتِّبَاعَ الْهَوَى وَ طَوْلَ الْأَمَلِ فَأَمَّا اتِّبَاعَ الْهَوَى فَيَصِدُّ عَنِ الْحَقِّ» یعنی پیروی از هوای نفس، شما را از راه

خدا گمراه می‌کند. غالب این گمراهی‌ها به خاطر هوای نفس است. البته ما برای خودمان هزار رقم توجیه درست می‌کنیم، برای این‌که از راه خدا منحرف شویم و حرف و عملمان غیر از آن چیزی باشد که شرع و دین برای ما معین کرده است. هوای نفس خصوصیتش این است که شما را از سیب‌الله گمراه می‌کند. «و اما طول الأمل فی نسی الأخره». طول امل، یعنی آرزوهای دور و دراز شخصی. تلاش کن، برای این‌که فلان طور، خانه برای خودت درست کنی؛ تلاش کن و مقدمات را فراهم کن، برای این‌که به فلان مقام برسی؛ تلاش کن، زید و عمرو را ببین و هزار نوع مشکل را پشت سر بگذار تا این‌که فلان سرمایه را برای خودت فراهم آوری و فلان فعالیت اقتصادی را در مشت بگیری. این طول الأمل - یعنی آرزوهایی که یکی پس از دیگری می‌آیند و تمام‌نشدنی‌اند - جلوی چشم انسان صف می‌کشند؛ برای انسان هدف درست می‌کنند و هدف‌های حقیر در نظر انسان عمده می‌شود. خاصیت این هدف‌ها «ینسی الأخره» است؛ آخرت را از یاد انسان می‌برند؛ انسان دائماً مشغول هدف‌های حقیر می‌شود؛ برای انسان وقتی باقی نمی‌ماند؛ دل انسان را می‌میراند؛ میل به دعا، میل به انابه، میل به تضرع و میل به توجه را برای انسان باقی نمی‌گذارند (بیانات، ۷۹/۹/۱۲).

زمان طولانی: فرایند تحقق هدف‌های اسلامی، یک فرایند طولانی و البته دشواری است. به طور نسبی انسان به آن اهداف نزدیک می‌شود؛ اما تحقق آن‌ها، بسیار طولانی است (بیانات، ۸۰/۹/۲۱).

ابهام مفهومی عدالت: عدالت مشکل است؛ حتی شناختن موارد عدالت و مصادیق عدالت هم گاهی خیلی مشکل است؛ کجا عدالت است، کجا بی‌عدالتی است؟ اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، بادو مفهوم دیگر به شدت درهم تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است؛ دیگر معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود؛ اصلاً عدالت نخواهد بود (بیانات، ۸۴/۶/۸).

کمرنگ شدن ارزش عدالت: نباید ارزش عدالت به عنوان یک ارزش درجه دو، کم‌کم در مقابل ارزش‌های دیگر به فراموشی سپرده شود؛ در نظام ما این خطر وجود داشته است. ارزش‌های دیگر هم خیلی مهم هستند؛ مثلاً ارزش پیشرفت و توسعه، ارزش سازندگی، ارزش آزادی

و مردم‌سالاری. مطرح کردن ارزش عدالت مطلقاً به معنای نفی این‌ها نیست؛ اما وقتی ما این ارزش‌ها را عمده می‌کنیم و مسئله عدالت و نفی تبعیض و توجه به نیازهای طبقات محروم در جامعه کمرنگ می‌شود، خطر بزرگی است (بیانات، ۸۴/۶۷۸).

عدم همکاری: از جمله چیزهایی که ما همیشه در طول این چند سال توصیه کرده‌ایم و صورت هم نگرفته است و تا همین آخر هم مسئولان دولتی به ما شکایت کرده‌اند، عدم همکاری در بخش‌های مختلف و در جاهای حساس است؛ مرگ ما بیش از آنچه ناشی از این باشد که دیگری بیاید ما را بکشد، ناشی از این است که در درون خودمان اختلافی به وجود می‌آید (بیانات، ۸۴/۶۷۸). هدررفت دستاوردها: تا این فسادها در مجموعه کارگزاران کشور وجود داشته باشد، توانایی کار وجود نخواهد داشت و پیشرفت امکان ندارد؛ هر کار هم بکنید، امکان نخواهد داشت. این‌ها شکاف‌ها و دره‌ها و حفره‌هایی است که وقتی به وجود آمد، هر چه شما دستاورد داشته باشید و در آن بریزید، آن‌ها را پُر نمی‌کند؛ دستاورد هم از بین می‌رود. لذا اول باید این‌ها را علاج کرد (بیانات، ۷۹/۹/۱۲).

منابع

- قرآن مجید. ترجمه بهاءالدین خرمشاهی.
- نهج البلاغه (۱۳۷۹). ترجمه محمد دشتی. قم: مشرقین.
- اختری، عباسعلی (۱۳۶۹). مدیریت علمی مکتبی از دیدگاه اسلام. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۹). انتظام ملی. تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.
- الوانی، سید مهدی (۱۳۸۴). تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی. تهران: سمت.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، به‌کوشش مصطفی‌درایتی، نشر دفتر تبلیغات، قم.
- خوانساری، جمال‌الدین (۱۳۷۳). شرح غرر الحکم. ۶ جلد، تصحیح: ارموی. تهران: دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
- سنگه، پیتر (۱۳۸۴). پنجمین فرمان. ترجمه کمال‌هدایت - روشن، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- معادیخواه، عبدالمجید (۱۳۷۲). فرهنگ آفتاب. تهران: ذره.
- سازمان عقیدتی سیاسی (۱۳۸۲). شاخص‌های عزت و افتخار در ناجا از دیدگاه امام و رهبری، معاونت سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی، تهران.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۱). صحیفه نور. تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.